

سازمان پیشرو، پیشتاز، پیشگام، سازمان برنده، تعالی یافته

سیدمحمد تکریمی

سازمانهای پیشرو سازمان هایی هستند دارای مشتریان با انگیزه که همواره باز می گردند، کارکنانی با روحیه که روز به روز بهتر کار می کنند و دیگرانی که در سایه اعتماد و احترام متقابل کامیاب هستند. سازمانهایی که روش های نوین در درآمد را هدایت می کنند. عقاید و روش های جدید بوجود می آورند در تغییر شالوده های اساسی سازمان خود پیشتاز بوده و شهرت دارند.

ساختار این سازمانها بر مبنای سازماندهی بر مبنای محصول، پاسخگویی سریع به تغییرات محیطی منعطف برای اصلاح و برای تولیدات جدید می باشد و مدیریت ارزش در این سازمانها عبارتست از تلاش تیمی با رویکرد سیستمی برای بهبود کیفیت و عملکرد کالاها، مهندسی پروژه ها با کمترین هزینه ارتقا کیفیت زندگی سازمانی بر مبنای ارزش ها رعایت موازین اخلاقی در تعامل با مشتریان ، کارکنان و سایر ذینفعان سازمان.

همچنین ساختار قدرت عمودی و افقی به لحاظ توزیع قدرت و موازنه آن و مسئولیت پذیری در کنار هم و بطور هماهنگ عمل می کنند و فرهنگ سازمانی در این سازمانها تاکید بر کار تیمی، مسئولیت پذیری، مشارکت در تصمیم سازی ، تشویق به نوآوری، یادگیری مستمر است.

باز بودن راههای ارتباطی و اطلاعاتی بین کارکنان با هدف شکوفایی جمعی ، یادگیری جمعی با هدف تعامل و تبادل سازمانی میان تمام واحد ها و بهبود مستمر و حمایت از تجربه های جدیدمدیریت ، شناسایی و مدیریت سرمایه های اطلاعاتی سازمان و مدیریت رهبر مآبانه با هدف ایجاد اعتماد و گسترش الگوی شاخص رهبری در سازمان از دیگر مولفه های یک سازمان پیشرو است. تفاوت سازمانهای نوین با سازمانهای عصر صنعت در این است که در عصر صنعت افراد را استخدام می کردند و برای یک کار کاملاً مشخص و تعریف شده آموزش می دادند ، در سازمانها معمولاً نخبگانی وجود داشتند که توانایی تعریف جزئیات کارهای تکراری را که کارکنان باید بعنوان وظیفه انجام می دادند ، داشتند . این نخبگان که از بین مدیران یا مهندسان برجسته انتخاب می شدند، استانداردها را تعریف نموده و روش های کنترل و اعمال نظارت و کسب اطمینان از صحت عملکرد بر اساس استانداردها را تعریف می نمودند . کارکنان قرار نبود، که بیشتر فکر کنند بلکه ، قرار بود که بیشتر کار کنند. با توجه به اینکه در عصر اطلاعات این فلسفه دیگر صادق نیست ، کارهایی که تکراری است و شرایط انجامش قابل پیش بینی و برنامه ریزی است به ماشین سپرده می شود و کار اصلی انسان بعنوان یک منبع معنوی بکار گرفتن ذهن ، ایجاد فکر و خلاقیت و تولید محصول از این طریق است .